

فصلنامه‌ی مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال ششم، شماره‌ی بیست و یکم، زمستان ۱۳۹۳ (صص: ۵۲-۳۵)

تأثیر افکار و آثار جلال‌الدین محمد دوانی در شبه‌قاره‌ی هند

دکتر مریم دانشگر *

چکیده

یکی از ابعاد مهم زندگی جلال‌الدین محمد دوانی، تأثیر گسترده‌ی او بر حوزه‌ی فرهنگ و اندیشه‌ی منطقه‌ی شبه‌قاره‌ی هند است. با توجه به این که در این موضوع مطالعه‌ی منسجمی وجود ندارد، توجه به جای در این حوزه برای تکمیل مطالعه‌ی ارتباط فرهنگ ایران و شبه‌قاره ضروری به نظر می‌رسد. مطالعه‌ی حاضر به شیوه‌ی کتاب‌خانه‌ای، با تأکید بر منابعی انجام شده که هم‌زمان او بوده یا در منطقه‌ی شبه‌قاره سامان یافته است. در این مقاله گستره‌ی تأثیر جلال‌الدین دوانی در شبه‌قاره‌ی هند با وجود عدم حضورش در آن منطقه، در سه مرحله بررسی شده است، در بخش نخست روابط او با بزرگان هند و در بخش دوم تأثیر جلال‌الدین دوانی بر برنامه‌های درسی شبه‌قاره مورد توجه قرار گرفته است. در مرحله‌ی سوم مهم‌ترین کتاب‌ها و آثار دوانی شامل شش اثر مهم او که مورد توجه اهل منطقه قرار گرفته‌اند در حوزه‌های حکمت عملی، فلسفه، کلام و منطق، شناسایی و مطالعه شده است.

کلید واژه‌ها: جلال‌الدین محمد دوانی، شبه‌قاره، برنامه‌های درسی، اخلاق جلالی.

مقدمه

جلال‌الدین محمد دوانی (۸۳۰-۹۰۸ ق/ ۱۴۲۶-۱۵۰۲ م)، حکیم، شارح، متکلم، فیلسوف و شاعر ایرانی، به سبب تأثیر فراوانی که بر مجموعه‌ی معارف پس از خود گذاشته، اهمیت زیادی در حوزه‌ی مطالعات اسلامی یافته است. تأثیر در فرهنگ شبه‌قاره‌ی هند، یکی از

* Email: daneshgar@ut.ac.ir

استادیار رشته زبان و ادبیات فارسی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی

ابعاد مهم زندگی جلال‌الدین دوانی بوده است و نقش او در اشاعه‌ی حکمت ایرانی اسلامی از طریق انتقال اندیشه‌های حکمی، به خصوص در قرن دهم، مهم‌ترین تأثیر وی در منطقه‌ی هند به‌شمار می‌آید. در همین دوره است که شکایت مکرر دوانی از وضعیت آشفته‌ی زمانه که ناشی از روی کارآمدن افراد ناشایست و نالایق در زمانه‌ی اوست عمق نارضایتی او از دستگاه حکومت را نشان می‌دهد (دوانی، ۱۳۸۱: ۱۱۳، ۱۱۷؛ همو، ۱۳۷۳: ۲۲۵). بخش مهمی از این آشفستگی مربوط است به کشاکش قدرت میان سران بایندریه که پس از مرگ اوزون حسن آغاز شد و با ظهور اسماعیل صفوی به اوج خود رسید این که برخی متأخران (رضوی، ۱۳۶۰: ۲۸ و دوانی، ۱۳۴۹: ۴۴۹). از سفر او به هند یا قصد او از چنین سفری سخن گفته‌اند شاید تأثیر اوضاع تاریخی و اجتماعی ایران، مهاجرت‌های فراوان ایرانیان به شبه‌قاره و ناامنی شیراز و منطقه فارس در این عصر باشد. هرچند بنا به مستندات موجود، دوانی به هند سفر نکرده است اما درباره‌ی قصد او برای اقدام به چنین سفری چندان مطمئن نیستیم. آن چه مسلم است او سال‌های پایانی زندگی‌اش را به دور از مراکز قدرت و شهرهای بزرگ، در لار و جرون (نزدیک هرمز) گذراند (لمبتون، ۱۹۶۴: ۱۷۴، طهرانی، ۱۳۵۶، صفحات متعدد) اما حضور شاگردان فراوان او که عموماً تعلیم مستقیم از او یافته بودند و پس از مهاجرت موقتی یا دائمی به هند، به تدریس آثار و رواج تعلیمات دوانی پرداختند، اشاعه‌ی افکار و اندیشه‌هایش را میسر کرد. بی‌تردید در سده‌ی ۱۰ق، هیچ مطالعه و آموزشی در میان مسلمانان شبه‌قاره سراغ نداریم مگر آن که از جلال‌الدین دوانی، آثار و شاگردان او، در آن اثری بوده باشد.

پیشینه‌ی پژوهش

بررسی‌ها نشان می‌دهد که هیچ پژوهشی به‌طور مستقیم و متمرکز به ابعاد مختلف افکار و اندیشه‌های جلال‌الدین دوانی در شبه‌قاره‌ی هند نپرداخته است و حتی دانشنامه‌های تخصصی شبه‌قاره و دایره‌المعارف‌های موجود در ایران و جهان، فاقد اطلاعات لازم پیرامون تأثیر آثار و اندیشه‌های دوانی در شبه‌قاره‌ی هند هستند. در این میان تنها می‌توان به پژوهش‌های تخصصی اکبر ثبوت در حوزه‌ی شبه‌قاره و کتاب شناسی آثار جلال‌الدین دوانی از رضا پورجوادی و آثار فهرست‌نگاران نسخه‌های خطی و تذکره‌نویسان اشاره کرد.

جایگاه دوانی در شبه‌قاره

دربرخی منابع متأخر (رضوی، ۱۳۶۰: ۲۸ و دوانی، ۱۳۴۹: ۴۴۹) به حضور جلال‌الدین دوانی در هند اشاره شده است اما هیچ‌یک از منابع نزدیک به حیات دوانی به این سفر اشاره نکرده و هیچ قرینه ی معتبری، مؤید این نظر و اشاره ی مستندی در تأیید این موضوع نیافته‌ایم. البته دوانی در آغاز دوره‌ای زندگی می‌کرده که رفت و آمد ایرانیان به هند به‌سهولت و با اشتیاق انجام می‌شده، شاید خود او نیز اندیشه ی سفر به هند را در سر می‌پرورانده است به ویژه که آشفته‌گی منطقه به‌سبب جابه‌جایی قدرت سیاسی در کشور ایران، بسیاری را در وضعیت نامناسبی قرار داده بود. همچنین بسیاری از شاگردان دوانی در هند حضور یافته‌اند و نقش مهمی در رواج و اشتهار اندیشه‌های استاد خود در منطقه داشته‌اند. احتمال می‌رود که همین امر نیز بر نظر محققان متأخر تأثیر گذاشته و آنان حضور دوانی را در هند امری مسلم پنداشته و این نظر را رواج داده‌اند.

۱- روابط با بزرگان هند

جلال‌الدین دوانی در روزگار خود بسیار مورد توجه بود و هر حکومتی که بر سرکار می‌آمد به او افتخار می‌کرد. علاوه بر شاهان و حاکمان داخلی، دو همسایه ی شرقی و غربی ایران - هند و عثمانی - نیز با ارسال نامه‌ها و هدایا، در بزرگداشت او کوشیده‌اند (Anay, 1994: 257-262). نامه‌ای از محمودبن محمد گاوان گیلانی (۸۰۸-۸۸۶ق/ ۱۴۰۶-۱۴۸۱م) وزیر ایرانی پادشاهان بهمنی دکن در دست است که خطاب به دوانی و دعوت از او است تا برای تدریس به دکن برود و در مدرسه ی عظیمی که با طرح معماری ایرانی در بیدر دکن ساخته به تدریس مشغول شود (محمود گاوان، ۱۹۴۸: ۱۷۲-۱۷۳ و رضوی، ۱۳۷۶: ۴۰۶). همچنین براساس اشاراتی که در مقدمه ی آثار دوانی وجود دارد او برخی از آثارش را به نام بزرگان شبه‌قاره نمود و برای ایشان ارسال کرد. براساس گزارش قاضی نورالله شوشتری (۱۳۷۷: ۲۲۶)، جلال‌الدین دوانی دو رساله ی انموذج‌العلوم و رساله در تحقیق عدالت را به نام محمودشاه بهمنی دکنی گجراتی (۸۸۷-۹۲۴ق/ ۱۴۸۲-۱۵۱۸م) تألیف و توسط یکی از شاگردانش به نام امیر شمس‌الدین محمد، برای وی ارسال کرد. زبیر قریشی نیز از اثر دوانی به نام الرساله‌العداله نام می‌برد که به نام محمودشاه بهمنی و به زبان فارسی تألیف شده و

نسخه‌ی خطی آن در کتابخانه‌ی حضرت پیرمحمدشاه در احمدآباد موجود است (زبیرقریشی، ۱۳۷۱: ۱۱۹-۱۱۳). یکی دیگر از شاهان هند، عادل خان فاروقی ثانی (۸۶۱-۹۰۶ق/۱۴۵۷-۱۵۰۱م)، پنجمین پادشاه سلسله‌ی فاروقیان ملوک خاندش بود (بوسورث، ۱۳۴۹: ۴۳۴) که جلال‌الدین دوانی چنان که در آغاز رساله‌ی فارسی تحقیق عدالت آمده این اثر را به نام او تألیف کرد و به هندوستان فرستاد. (دوانی، ۱۳۷۲: ۱۱۸۲-۱۱۸۴) نیز باید از میرمحب‌الله پسرزاده‌ی امیر نعیم‌الدین نعمت‌الله ماضی نام ببریم که به گزارش قاضی نورالله، جلال‌الدین دوانی رساله‌ای در تعریف علم کلام نوشت و به هند نزد او فرستاد (شوشتری، ۱۳۷۷: ۲۲۶-۲۲۷). در واقع باید گفت اگرچه سندی بر حضور دوانی در شبه‌قاره در دست نیست اما او برای فرهنگ آن سامان، از بسیاری از علمای هم‌روزگارش اهمیت بیشتری داشته است. این اهمیت را به‌خصوص باید در نفوذ آرای وی در حوزه‌ی تفکر منطقی و کلامی منطقه‌ی هند دانست که به‌واسطه‌ی شاگردانش چه آنان که مستقیماً از او تعلیم گرفتند و چه آنان که به واسطه‌ی شاگردان و آثار او که در حلقه‌های درسی منطقه رایج بود، شاگرد او محسوب شدند - رواج یافت. به این سبب جایگاه مدرسی آثار دوانی که حوزه‌ی مطالعات درسی رایج در شبه‌قاره را مشخص می‌کند در شناخت او، شناسه‌ای معتبر محسوب می‌شود.

۲- حضور دوانی در برنامه‌های درسی شبه‌قاره

دو برنامه مهم درسی در سده‌های ۱۱ و ۱۲ق/۱۷ و ۱۸م در حوزه‌ی شبه‌قاره وجود دارد که نسب علمی برنامه‌ریزان هر دو گروه، با واسطه، به علامه دوانی می‌رسد. برنامه‌ی نخست که به درس نظامی شهرت دارد، بادوام‌ترین برنامه‌ی آموزشی برای حوزه‌های علمی دینی اهل سنت در شبه‌قاره محسوب می‌شود. این برنامه‌ی آموزشی که در طول چند قرن، در بیشتر مدارس اسلامی هند، مورد قبول واقع شد، به وسیله نظام‌الدین انصاری لکهنوی (۱۰۸۸-۱۱۶۱ق/۱۶۷۷-۱۷۴۸م) شاگرد و فرزند قطب‌الدین انصاری (وفات: ۱۱۰۳ق/۱۶۹۱م) نخستین بار در حوزه‌ی فرهنگی محل به اجرا درآمد. در این برنامه به فراگیری دانش‌های عقلی توجه زیادی می‌شد. قطب‌الدین انصاری با سه واسطه شاگرد میرفتح‌الله شیرازی (وفات: ۹۹۷ق/۱۵۸۹م) بود که خود به واسطه‌ی استادش جمال‌الدین محمود شیرازی از شاگردان ملاجلال دوانی به شمار می‌آمد. فتح‌الله شیرازی در بیجاپور و آگره از نخستین

کسانی بود که آثار حکیمان متأخر ایران همچون دوانی، سیدصدرالدین دشتکی، غیاث‌الدین منصور شیرازی و میرزاجان باغنوی را به هند آورد و در انتقال دانش و حکمت مدرسی ایران به منطقه ی شبه‌قاره نقش مهمی داشت (حسنی، ۱۳۵۰، ج ۴: ۲۵۵ و ۱۳۷۷: ۱۴، ثبوت، ۱۳۸۰: ۴۰-۴۱، همو، ۱۳۸۷: ۲۳، ریوانی، ۱۳۳۲: ۲۴۱). شرح عقاید جلالی، از کتاب‌هایی بود که در موضوع کلام و عقاید در این دوره تدریس می‌شد. اختر راهی در زمره ی مصنفان درس نظامی، به دوانی و شرح احوال او پرداخته است (اختر راهی، ۱۹۷۸: ۲۲ و ۸۳-۸۹). در ادامه ی این راه باید به شبکه ی گسترده ی مدارسی اشاره کرد که امروزه پیرو برنامه ی درس نظامی در هند هستند. امروزه ۱۴ مدرسه در مناطق مختلف هند وجود دارد که با تغییراتی پیرو برنامه ی درس نظامی به شمار می‌آیند. همچنین در سایر مدارس شبه‌قاره که علوم عقلی مورد توجه بود، آثار دوانی تدریس می‌شد. از جمله این مدارس می‌توان از جامعه ی حبیبیه و دارالعلوم غریب نواز در شهر الله‌آباد در شمال هند و دارالعلوم دیوبند در اتارپرادش نام برد (ثبوت، ۱۳۷۳: ۱۱۸-۱۱۹؛ همو، ۱۳۷۴: ۸۴-۸۶). برنامه ی دوم متعلق به شاه ولی‌الله دهلوی (۱۱۱۴-۱۱۷۶ق/۱۷۰۲-۱۷۶۲م) و فرزندش عبدالعزیز (۱۱۵۹-۱۲۳۹ق/۱۷۴۶-۱۸۲۴م) بود که نسب علمی آنان نیز از طریق میرزاهد هروی و جمال‌الدین محمود شیرازی، به ملا جلال‌الدین دوانی، می‌رسید. این برنامه ی درسی با هدف نشر و تقویت فقه و حدیث اهل سنت آغاز شد. از آغاز عرضه ی این دو برنامه تا اعصار اخیر، مدارس دینی مسلمانان اهل سنت در هند عموماً پیرو یکی از این دو برنامه، یا آمیخته‌ای از آن دو بوده‌اند (ثبوت، ۱۳۸۷: ۲۳؛ رضوی، ۱۳۶۰: ۳۴). در مجموعه ی کتاب‌هایی که در حوزه ی برنامه ی نخست تدریس می‌شد، آثاری از جلال‌الدین دوانی مانند شرح او بر عقاید عضدیه و شرح‌ها و حاشیه‌هایی که علمای هند بر کتاب‌های او نوشته بودند مانند حاشیه میرزاهد هروی بر شرح دوانی بر تهذیب المنطق، وجود داشت (برای اطلاعات بیشتر از این حوزه‌ها، نک: ثبوت، ۱۳۸۷: ۳۰-۱۹؛ همو، ۱۳۷۴: ۲۳-۵۲). نام مدرّسین آثار دوانی در جایی ثبت نشده اما در برخی منابع افرادی به‌عنوان مدرّس کتاب‌های دوانی یا شروح و حاشیه‌های آثار او، معرفی شده‌اند از جمله: سیدحسین حسینی نونهروی غازیپوری شیعی (۱۲۳۵-۱۲۷۱ق/ ۱۸۲۰-۱۸۵۵م) که حاشیه ی قدیم دوانی بر شرح تجرید را درس می‌داده است و صدرالدین

خان صدرالصدور که صدیق‌حسن خان قنوجی (۱۲۴۸-۱۳۰۷ق/۱۸۳۲-۱۸۸۹م) نزد او کتاب‌های منطقی دوانی را آموخت (ثبوت، ۱۳۸۰: ۲۷۹، ۲۹۴).

۳- آثار علامه دوانی و رواج آن‌ها در شبه‌قاره

آثاری که به دوانی نسبت داده‌اند بسیار است. نخستین بار ابوالقاسم کازرونی (۹۶۶-۱۰۲۴ق/۱۵۵۹-۱۶۱۵م) در سلم‌السموات (ص ۲۲۴) و سپس قاضی نورالله شوشتری (۹۵۶-۱۰۱۹ق/۱۵۴۹-۱۶۱۰م) در مجالس‌المؤمنین (ص ۲۲۴-۲۲۸) شماری از آثار او را نام برده‌اند. آخرین بار، پورجوادی (ص ۸۱-۱۳۳) در کتاب شناسی آثار دوانی، از ۱۰۶ اثر او نام برده است. به گواهی نسخه‌های خطی و چاپ سنگی‌های فراوان از آثار او در شبه‌قاره، رواج آثار دوانی در آن منطقه حتی بیش از ایران بوده است. در این میان به معرفی برخی از آثار او که در شبه قاره بیشتر مورد توجه قرار گرفته می‌پردازیم.

۳-۱- اخلاق جلالی

این کتاب مهم‌ترین اثر دوانی از نظر تأثیرگذاری و رواج در شبه‌قاره است. نام اصلی آن لوامع‌الاشراق فی مکارم‌الاخلاق، و موضوع آن اخلاق فردی و اجتماعی با رویکرد فلسفی است. وی این کتاب را بین سال‌های ۸۷۱ تا ۸۸۳ به نام سلطان خلیل فرزند اوزون‌حسن در سه لامع (فصل) تهذیب اخلاق، تدبیر منزل، سیاست مدن و رسوم پادشاهی نوشت. اساس اخلاق جلالی، کتاب مشهور اخلاق ناصری، اثر خواجه‌نصیرالدین توسی (وفات: ۶۷۳ق/۱۲۷۴م) است. با این تفاوت که خواجه ی توسی بر پایه ی فلسفه مشاء کتاب خود را نگاشت و ملا جلال دوانی با اندیشه ی تلفیق حکمت یونانی با فلسفه اسلامی و با دیدگاه اشراقی، کتابش را تألیف کرد. گذشته از این، اخلاق جلالی با مبانی شریعت اهل سنت سازگاری بیشتری داشت و به‌همین سبب اخلاق جلالی در میان مسلمانان شبه‌قاره، بیشتر مورد توجه واقع شد و رواج عام‌تری یافت تا آن‌جا که می‌توان گفت این کتاب بیش از آن که در ایران مورد توجه قرار بگیرد، در شبه‌قاره مقبولیت و رواج یافت. به همین دلیل نیز بیشترین نسخه‌های خطی و چاپی آن در کتاب‌خانه‌های آن حوزه گزارش شده است (منزوی، ۱۳۶۲، ج ۴: ۲۴۳۸-۲۴۴۰ و ۱۳۴۸، ج ۲: ۱۶۷۲؛ و ۱۳۷۴، ج ۶: ۵۸۵-۵۸۳). اخلاق جلالی تا پایان حکمرانی انگلستان بر هند، جزو کتاب‌های درسی بود و تا چندی پیش در

بسیاری از مراکز علمی شبه‌قاره از جمله در دانشگاه‌های دهلی، پنجاب و پتنه به عنوان واحد درسی متون اخلاقی تدریس می‌شد. در رشته ی ادبیات فارسی، دوره کارشناسی، چهار لمعه ی نخست آن تدریس می‌شد و در رشته ی فلسفه نیز نسخه ی انگلیسی کتاب مورد استفاده قرار می‌گرفت. در برنامه ی درسی اورینتل کالج لاهور، کتاب اخلاق جلالی جایگاهی ویژه داشت. بخش سیاست مدن، در مرتبه ی منشی (از درجه‌های تحصیلی سنتی در هند که به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: منشی، منشی فاضل، ادیب فاضل و مولوی فاضل) و تمامی کتاب در مرتبه ی منشی فاضل از مواد امتحانی بود (غلام حسین، ۱۹۶۲: ۲۵۲-۲۵۴). نخستین چاپ اخلاق جلالی، در ۱۸۱۰م در کلکته انجام شد و پس از آن نیز بارها در لکهنو، لاهور، کلکته و بمبئی چاپ شد (نوشاهی، ۱۴۰۶: ۷۶-۷۷، ۱۰۴۲).

۱-۱-۳- شروح و منتخبات اخلاق جلالی

بر اخلاق جلالی، محمدیوسف علی‌خان، مفتی ایالت کرناتک هند، شرحی به زبان فارسی نوشت که با نام اعظم سواطع الآفاق فی شرح لوامع الاشراف در سال ۱۲۹۸ق/ ۱۸۸۱م چاپ شد (نوشاهی، ۱۴۰۶، ج ۱: ۷۷). همچنین منتخباتی از این کتاب، عموماً با هدف تهیه ی مجموعه‌ای برای تدریس، انتشار یافت، از آن جمله است سرمایه خرد که انتخابی است از کتاب‌های تاریخ ملکم، اخلاق جلالی، رقعات میرزاقتیل، انشای بهار عجم، سکندرنامه و شاهنامه برای دانش‌آموزان پایه سوم. (نوشاهی، ۱۴۰۶، ج ۱: ۱۵، نیز نک: طهرانی، ۱۹۸۶، ج ۲۲: ۳۷۰، منزوی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۵۸۵، ج ۶: ۴۳۱، امدادعلی صفدر، ۱۹۷۱: ۲۸۱ که گزارشی از چاپ لامع اول اخلاق جلالی با حواشی و فرهنگ لغت دارد).

۲-۱-۳- ترجمه‌های اردو

کتاب اخلاق جلالی چندین بار به زبان اردو ترجمه شده است. نخستین ترجمه آن را مولوی محمد امانت‌الله در سال ۱۲۲۰ق/ ۱۸۰۵م انجام داده است. این ترجمه با نام جامع‌الاخلاق در کلکته به درخواست سروان فردریک جی. موآت (Frederic John Mouat, 1816-1897) پزشک و جراح انگلیسی و با حمایت کالج فورت ویلیام در مطبع احمدی در ۱۲۶۴ق/ ۱۸۴۸م به چاپ رسید. پس از آن نیز بارها در لکهنو، منتشر شد. (اخترراهی، ۱۹۸۶: ۶۳ و حسنی، ۱۳۷۷: ۲۸۸ و امین، ۱۳۷۶: ۱۴۵، ۱۴۸ و نقوی، ۱۳۴۹: ۱۱۹) همچنین دو

ترجمه ی دیگر از این کتاب در لاهور به نام‌های اللالی به وسیله سجاد رضوی و مسلم هاشمی، و معارج المعالی به وسیله سید اقبال کاظمی زنجانی مدرس دبیرستان دولتی جهلم، به چاپ رسیده است. محمد دین مختار، مدرس دانشکده خاورشناسی لاهور و بشیرالدین احمد از دیگر مترجمان اخلاق جلالی به اردو هستند. در برخی از ترجمه‌های اردو فقط بخش‌هایی از کتاب برگردانده شده است مانند عین‌المعانی که شریف علی فقط لامع اول اخلاق جلالی را با معانی لغات آن، آورده است. همچنین در گزارش اختر راهی از ترجمه‌های اردوی این کتاب، از دو اثر نام برده شده که فقط برگردان بخش‌هایی از اخلاق جلالی به اردو هستند. (اخترراهی، ۱۹۸۶: ۶۳، منزوی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۵۸۵-۵۸۶، امدادعلی صفدر، ۱۹۷۱: ۲۸۱، ۲۸۷).

۳-۱-۳- ترجمه انگلیسی

کتاب اخلاق جلالی نخستین بار به وسیله تامپسن (W.F. Thompson) با نام فلسفه ی عملی ملل مسلمان (practical philosophy of the mohamadan people)، به انگلیسی ترجمه شد و در سال ۱۸۳۹م در لندن به چاپ رسید. از آن جایی که زبان کتاب متکلف بود، مترجم موفقیت چندانی در برگردان متن به دست نیاورد، ضمن آنکه بر متن اصلی نیز به دلیل نداشتن تصحیح مناسب، اشکالاتی وارد بود. (Cooper, 1839, vol 2: 806-807) با این حال این ترجمه ی انگلیسی بارها در لندن و کراچی تجدید چاپ شد.

۳-۲- شواکل الحور فی شرح هیاکل النور

این کتاب شرحی است بر اثر معروف شیخ شهاب‌الدین سهروردی معروف به شیخ اشراق (۵۴۹ - ۵۸۷ ق / ۱۱۵۴ ° ۱۱۹۱م). کتاب و شرح آن به زبان عربی است. دوانی شرح خود را در ۱۱ شوال ۸۷۲ / ۱۴۶۷م در مدرسه مظفریه ی تبریز به پایان رسانید و آن را به نام جمال‌الاسلام و المسلمین غیاث‌المله والدین محمود ملقب به خواجه ی جهان، محمود گاوآن گیلانی تنظیم کرد. (دوانی، ۱۳۷۳: ۵) مشرب اشراقی موجود در آثار دوانی به خصوص در این کتاب، در رواج اندیشه‌های اشراقی در هند، به ویژه در گجرات و مالوه و دکن تأثیر به‌سزایی داشت. دانشمند برجسته‌ای که با اشاعه ی فلسفه ی اشراق، ذوق و شهود عرفانی را به برهان و فلسفه پیوند زد میرفتح‌الله شیرازی (وفات: ۹۹۷ق/۱۵۸۹م) بود که نسب

علمی‌اش به یک واسطه به جلال‌الدین دوانی و صدرالدین دشتکی معروف به سید سند - دو سرسلسله ی مکتب شیراز که رقیب یکدیگر نیز بودند می‌رسید. نقش فتح‌الله شیرازی در انتقال آثار حکمی متأخر ایرانی و انتقال مکتب‌های فلسفی ایران به هند قابل توجه است (رضوی، ۱۳۶۰: ۲۸). بر شرح دوانی بر هیاکل‌النور سهروردی، میرمحمد زاهد هروی (وفات ۱۰۱۱ق/ ۱۶۰۲م) که از شارحین آثار دوانی بود و نسب علمی‌اش به جلال‌الدین دوانی می‌رسید، حاشیه‌ای نوشت. چندی بعد بر حاشیه میرزاهد نیز، ابوالحسنات محمد عبدالحی بن عبدالحلیم لکهنوی تعلیقه زد. (ثبوت، ۱۳۸۰: ۳۱۰ و دانشگر، ۱۳۹۲، ج ۳: ۵۱۵ و رضوی، ۱۳۶۰: ۳۴) شرح دوانی بر هیاکل‌النور سهروردی، نخستین بار در سال ۱۹۵۳م در مدرس چاپ حروفی شده (همین منابع) و هرچند صاحب الذریعه (آقابزرگ طهرانی، ۱۹۸۶، ج ۴: ۱۷۶-۱۷۷) گزارشی از چاپ این کتاب در ۱۳۱۳ و ۱۳۲۳ق آورده، اثری از آن به دست نیامد.

۳-۳- اثبات الواجب القدیم و اثبات الواجب الجدید

دوانی این دو رساله ی عربی فلسفی را در اثبات وجود خداوند نگاشته است. قاضی شوشتری (۱۳۷۷، ج ۲: ۲۲۵) سال تألیف رساله قدیم را ۸۹۷ق/ ۱۴۹۲م آورده اما براساس تحقیقات، سال تألیف آن، قبل از ۸۷۰ق بوده است (تویسرکانی، ۱۳۸۱: ۴۱-۴۲ و طهرانی، ۱۹۸۶، ج ۱: ۱۰۷ و پورجوادی، ۱۳۷۷: ۱۰۹). علامه دوانی کتاب خود را در دو مرحله، به دو ممدوح اهدا کرد: نخست، سلطان عثمانی، بایزید دوم (۸۸۶-۸۳۵ق / ۱۴۸۱-۱۴۳۲م) که وی در جواب، نامه‌ای به دوانی نوشت و مبلغی بابت قدردانی، برای او فرستاد (طهرانی، همان: ۱۰۶ و تویسرکانی، ۱۳۸۱: ۴۲ و نوایی، ۱۳۴۱: ۴۴۸-۴۵۵) و دیگری خواجه جهان محمود گاوآن (تویسرکانی، ۱۳۸۱: ۴۳). عبدالحسین حائری براساس نسخی که در اختیار داشته و سایر قرائن، اهدای کتاب را به سلطان بایزید دوم رد می‌کند و معتقد است کتاب فقط به درخواست یکی از بزرگان گیلان نوشته شده است (همان: ۴۲-۴۵ و حائری، ۱۳۴۵، ج ۵: ۳۶-۳۷). از آن جایی که این دو رساله، مورد توجه اهل علم بوده، شرح‌ها و حاشیه‌های متعددی بر آنها نگاشته شده است. برخی از حاشیه‌نویسان این رساله درحوزه ی شبه‌قاره، عبارت‌اند از: جمال‌الدین محمود شیرازی، قاضی نورالله شوشتری، قاضی‌زاده عبدالخالق کرهرودی معروف به قاضی جهان، کمال‌الدین حسین اردبیلی الهی، محمودبن

محمد نیری (امین، ۱۴۰۶، ج ۱۰: ۱۰۵ و پورجوادی، ۱۳۷۷: ۱۱۰ و طهرانی، ۱۹۸۶، ج ۶: ۱۰).

۳-۴- حاشیه‌های دوانی بر شرح قوشچی بر تجرید الاعتقاد

تجرید الاعتقاد (تجرید العقاید/تجرید الکلام)، اثر خواجه نصیرالدین توسی (۵۹۷-۶۷۲ق/۱۲۰۱-۱۲۷۴م) از متون کلامی شیعی به عربی است که به دلیل اهمیتش، شروح بسیاری به فارسی و عربی بر آن نگاشته شده است. (طهرانی، ۱۹۸۶، ج ۳: ۳۵۱-۳۵۵ و ج ۶: ۶۴-۷۰، ۱۱۳-۱۱۴، ۱۱۸ و حاجی خلیفه، ۱۴۰۲، ج ۱: ستون ۳۴۶-۳۵۰) از مهم‌ترین این شروح، شرح علی بن محمد سمرقندی معروف به فاضل قوشچی (وفات: ۸۷۹ق/۱۴۷۴م) است که به شرح جدید معروف شده و حواشی و تعلیقات بسیار بر آن نوشته‌اند. جلال‌الدین دوانی سه حاشیه بر شرح جدید تجرید قوشچی زده است که قدیم و جدید و اجد نام دارند و به طبقات جلالیه شهرت یافته‌اند (طهرانی، ۱۹۸۶، ج ۶: ۶۷). دوانی حاشیه ی نخست را به نام سلطان خلیل بایندری تألیف کرد. دو حاشیه دیگر را نیز در ۸۹۶ و ۸۹۷ق/۱۴۹۱ و ۱۴۹۲م نوشت. (شوشتری، ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۲۵) درمقابل حواشی جلال‌الدین دوانی، صدرالدین دشتکی، فیلسوف و متکلم معاصر او، دو رساله در ردّ دو حاشیه ی قدیم و جدید دوانی نگاشت که به طبقات صدریه شهرت یافتند. فرزند صدرالدین، غیاث‌الدین منصور دشتکی پس از فوت پدر و در ادامه ی روش او، ردیه‌ای به حاشیه اجد دوانی نگاشت. آرای این سه پس از آنان همیشه در معرض داوری متکلمان متأخر ایشان بود و تعلیقه‌ها و شرح‌های بسیاری بر آن‌ها نوشته شد (صدرایی خویی، ۱۳۸۲: ۵۹-۹۶). در شبه‌قاره ی هند نیز به این آثار توجه بسیار شد. برخی از شارحین دو حاشیه ی قدیم و جدید ملّا جلال دوانی در شبه‌قاره عبارت‌اند از: نظام‌الدین بن قطب‌الدین انصاری، فتح‌الله شیرازی، جمال‌الدین محمود شیرازی، قاضی نورالله شوشتری، حافظ امان‌الله بن نورالله بنارس، شیخ نورالدین بن محمد صالح گجراتی، شیخ وجیه‌الدین علوی گجراتی، شیخ سعدالله بن عبدالشکور سلونی، محمد اسعد بن قطب‌الدین سهالوی (حسنی، ۱۳۷۷: ۲۳۵-۲۳۶ و ۱۳۵۰، ج ۶: ۳۸۵ و ثبوت، ۱۳۷۴: ۲۸ و ۱۳۸۰: ۲۲ و پورجوادی، ۱۳۷۷: ۱۱۳-۱۱۵).

۳-۵- حاشیه دوانی بر تهذیب المنطق

تهذیب المنطق و الکلام نام کامل رساله‌ای عربی از سعدالدین مسعود بن عمر تفتازانی

است که در سال ۷۸۹ق/ ۱۳۸۷م تألیف شده است. این اثر یک دوره ی کامل منطق و کلام را با اختصار، آموزش می‌دهد و از متون رایج درسی در حوزه‌ها و مدارس اسلامی بوده است، به همین سبب شروح و حواشی بسیار بر آن نوشته‌اند. از جمله علّامه دوانی بر بخش منطق آن، تهذیب‌المنطق، شرحی موسوم به العجالة نوشته است که قدیمی‌ترین شرح تهذیب محسوب می‌شود. (طهرانی، ۱۹۸۶، ج ۱۵: ۲۲۱). این شرح در شبه‌قاره بیش از ایران مورد توجه قرار گرفته و حاشیه‌های فراوانی بر آن آمده، از جمله: حاشیه ی میرزا ابوالفتح شیرازی و تکلمه ی او بر حاشیه ی دوانی (رضوی، ۱۳۶۰: ۳۰ و حسنی، ۱۳۵۰، ج ۴: ۲۵۴)، رضا حسن علوی کاکوروی (ثبوت، ۱۳۸۰: ۲۹۳)، سید اسماعیل بن قطب حسینی بلگرامی و سید محمد زاهد بن محمد اسلم هروی (لمبتون، ۱۹۸۳، ج ۹: ۴۷۹ و دانشگر، ۱۳۹۲، ج ۳: ۵۱۵-۵۱۶). در این میان حاشیه ی اخیر از محمدزاهد هروی، بیش از سایرین مورد اقبال واقع شده و کثیری از علمای هند بر آن تعلیقه زده‌اند به طوری که عبدالحی حسنی، نزدیک به سی نفر را نام می‌برد که بر این حاشیه تعلیقه نوشته‌اند (حسنی، ۱۳۷۷: ۲۵۷-۲۵۸ و ریوانی، ۱۳۳۲: ۱۷۲-۱۷۳ و ثبوت، ۱۳۸۰: صفحات متعدّد). بر برخی از این حواشی نیز حاشیه‌ای نوشته شده است مانند حاشیه ابوالحسنات محمد عبدالحی لکهنوی بر تعلیقه ی کمال‌الدین انصاری بر حاشیه میرزاهد بر شرح دوانی بر تهذیب (ثبوت، ۱۳۸۰: ۳۱۰).

۶-۳- شرح دوانی بر عقاید عضدیه و حواشی آن

قاضی عضدالدین ایجی (وفات: ۷۵۶ق/ ۱۳۵۵م) دوازده روز قبل از وفاتش عقاید عضدیه را تألیف کرد. این کتاب به دلیل گرایش‌های ضد شیعی آن، همیشه محلّ نزاع متکلمان بوده و بر آن شرح‌هایی نوشته شده است. یکی از مهم‌ترین شروح این رساله، شرح جلال‌الدین دوانی به عربی است. به گزارش قاضی نورالله (شوشتری، ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۲۷)، دوانی در جرون (نزدیک هرمز)، این اثر را به درخواست یکی از سنیان صاحب‌جاه نگاشته است. چاپ سنگی کتاب، نخست در استانبول ۱۸۱۷م و پس از آن در آستانه ۱۲۷۵ق و ۱۳۰۷ق، دهلی ۱۸۹۸م و لکهنو ۱۳۲۸ق انجام شده است. چاپ لکهنو علاوه بر عقاید ایجی و شرح دوانی، حاشیه عنایت بخاری و چاپ آستانه علاوه بر شرح دوانی، شرح قاضی نورالله شوشتری و حاشیه ی قاضی عبدالحکیم بن شمس‌الدین سیالکوتی را به همراه دارد (پورجوادی، ۱۳۷۷:

۱۱۱-۱۱۲). چاپ حروفی شرح عقاید نیز در سال ۱۳۷۷ق در قاهره همراه با حاشیه محمد عبده منتشر شده است. سیدهادی خسروشاهی معتقد است متن اصلی، تقریر سید جمال‌الدین بوده و فقط به خط محمد عبده نوشته و تنظیم شده است. همچنین این شرح یکی از منابع درس نظامی (برنامه ی نخست) بوده است که قبلاً به اهمیت آن اشاره کردیم (راهی، ۱۹۷۸: ۲۲). شرح دوانی، حواشی و تعلیقه‌های فراوانی دارد از جمله مهم‌ترین آن‌ها حاشیه شیخ کمال‌الدین انصاری فتح‌پوری (وفات: ۱۱۷۵ق/ ۱۷۶۲م) موسوم به عروه‌الوثقی که خود حواشی و تعلیقاتی دارد از جمله حاشیه‌های عبدالحکیم بن عبدالرب لکهنوی (وفات: ۱۲۸۶ق/ ۱۸۶۹م) و ولی‌الله بن حبیب‌الله لکهنوی (۱۱۸۲-۱۲۷۰ق/ ۱۷۶۸-۱۸۵۴م) (حسنی، ۱۳۷۷: ۲۳۵-۲۳۶، ۲۳۹ و ثبوت، ۱۳۸۰: ۴۶، ۵۷).

نتیجه

با آن که هیچ سندی مبنی بر حضور دوانی در شبه‌قاره وجود ندارد، باید او را یکی از تأثیرگذارترین اندیشمندان ایرانی بر جریان فرهنگی شبه‌قاره به‌ویژه در قرن ۱۰ق دانست. اندیشه‌های او در حکمت عملی از طریق کتاب اخلاق جلالی، در فلسفه از طریق شواکل الحور فی شرح هیاکل النور و اثبات الواجب قدیم و جدید، در کلام از طریق شرح عقاید عضدیه و سه حاشیه‌ی او بر شرح جدید تجرید الاعتقاد و در منطق از طریق حاشیه بر تهذیب المنطق به سرعت در حوزه‌های درسی و علمی شبه‌قاره رواج یافت. شاگردان ایشان نیز پس از مهاجرت و استقرار در هند، با انتقال آرای استادشان در رواج اندیشه‌های او نقش به‌سزایی داشتند. همچنین سنت تعلیقه‌نویسی و حاشیه‌نویسی که از قرن نهم به‌بعد در میان مسلمانان رایج شد، گستره‌ی وسیعی از آثار را به‌گرد تألیفات دوانی که برخی خود حاشیه و شرح بر کتاب‌های دیگری‌اند، جمع کرد. علاوه بر این موارد، باید به ویژگی دیگری اشاره کنیم که در قبول آرای دوانی در شبه‌قاره مهم بوده و آن مطابقت آثار دوانی با مبانی شریعت رایج در شبه‌قاره است. به‌این‌ترتیب باوجود آن که بسیاری از آثار رایج او در شبه‌قاره، بر مبنای آرای پیشینیان تحریر یافته و فکر نو و اندیشه‌ی تازه‌ای در آن‌ها جریان نداشته، بیشتر از اصل، مورد قبول علمای آن سامان قرار گرفته و رواج یافته است.

منابع

- ۱- اختر راهی، تذکره مصنفین درس نظامی، لاهور: مکتب رحمانیه، ۱۹۷۸.
- ۲- اختر راهی، ترجمه ی متون فارسی به زبان‌های پاکستانی، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۹۸۶.
- ۳- امدادعلی صفدر، فهرست کتب چاپی پاکستان درباره ی زبان و ادبیات فارسی، اورینتال کالج میگزین، ش ۱۸۳-۱۸۵، لاهور: صص ۲۹۵-۲۷۱، ۱۹۷۱.
- ۴- امین، محسن، اعیان الشیعه، ج ۱۰، چاپ اول، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶.
- ۵- امین، محمد، دانشکده فورت ویلیام و گسترش زبان و ادبیات فارسی، قند پارسی، ش ۱۲، دهلی نو: صص ۱۶۱-۱۴۳، پاییز ۱۳۷۶.
- ۶- بوسورت، کلیفورد ادموند، سلسله‌های اسلامی، چاپ اول، ترجمه ی فریدون بدره‌ای، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
- ۷- پورجوادی، رضا، کتاب شناسی آثار جلال‌الدین دوانی، معارف، دوره ی پانزدهم، ش ۲، تهران: صص ۱۳۸-۸۱، فروردین - آبان ۱۳۷۷.
- ۸- تویسرکانی، احمد، مقدمه ی سبع رسائل، دوانی، جلال‌الدین، چاپ اول، به کوشش احمد تویسرکانی، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۱.
- ۹- ثبوت، اکبر، حوزه فرنگی محل و کتاب شرح الهدایه، کیهان اندیشه، ش ۵، تهران: صص ۱۲۰-۱۱۴، بهمن و اسفند ۱۳۷۳.
- ۱۰- ثبوت، اکبر، فیلسوف شیرازی در هند، چاپ اول، تهران: هرمس، ۱۳۸۰.
- ۱۱- ثبوت، اکبر، کتاب‌های ایرانیان در برنامه‌های مدارس اسلامی هند، آیینة میراث، س ۶، ش ۴۰، تهران: صص ۳۲-۱۳، بهار ۱۳۸۷.
- ۱۲- ثبوت، اکبر، مدارس اسلامی هند در طول تاریخ و جایگاه فرهنگ ایران در آنها، دهلی نو: مجموعه انتشارات بخش تحقیقات، ۱۳۷۴.
- ۱۳- حاجی خلیفه، کشف‌الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، ج ۱، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۲ق
- ۱۴- حائری، عبدالحسین، فهرست کتابخانه ی مجلس شورای ملی، ج ۵، تهران: انتشارات کتابخانه، ۱۳۴۵.
- ۱۵- حسنی، عبدالحی، الثقافة الاسلامیة فی الهند، دمشق: المجمع العلمی العربی، ۱۳۷۷ق

- ۱۶- حسنی، عبدالحی، *نزهه الخواطر و بهجه المسامع و النواظر*، ج ۴ و ۶، حیدرآباد دکن: دایرةالمعارف العثمانیه، ۱۳۵۰ق.
- ۱۷- دانشگر، مریم، زاهد هروی، *دانشنامه ی زبان و ادب فارسی در شبه قاره*، جلد ۳، چاپ اول، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۲.
- ۱۸- دوانی، محمدعلی، *شرح حال جلال الدین دوانی*، به کوشش مظفر بختیار، مجله ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ش ۳ و ۴، تهران: صص ۴۵۶-۴۴۷، شهریور ۱۳۴۹.
- ۱۹- دوانی، جلال الدین، *رساله در تحقیق عدالت*، به کوشش علی اردلان جوان، مجله ی دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی فردوسی، ش سوم و چهارم، مشهد: صص ۱۱۹۴-۱۱۶۷، پاییز و زمستان ۱۳۷۲.
- ۲۰- دوانی، جلال الدین، *سیع رسائل*، چاپ اول، به کوشش احمد تویسرکانی، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۱.
- ۲۱- دوانی، جلال الدین، *شواکل الحور فی شرح هیاکل النور*، چاپ اول، به کوشش محمد عبدالحق و محمد یوسف کوکن، مدراس: مطبوعات الشرقیه، ۱۳۷۳ق.
- ۲۲- رضوی، سیداطهر عباس، *تأثیر حکمت اشراق و فلسفه میرباقر داماد و ملاصدرا در شبه قاره هند و پاکستان*، جاویدان خرد، س چهارم، ش ۲، تهران: صص ۳۹-۲۷، پاییز ۱۳۶۰.
- ۲۳- رضوی، سیداطهر عباس، *شیعه در هند*، چاپ اول، ترجمه ی مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶.
- ۲۴- ریوانی، رحمان علی، *تذکره علمای هند*، لکهنو: نولکشور، ۱۳۳۲ق.
- ۲۵- زبیر قریشی، محمد، *الرساله العداله الدوانی معنون به محمود شاه بهمنی*، قندپارسی، ش ۴، دهلی نو: صص ۱۱۹-۱۱۳، بهار ۱۳۷۱.
- ۲۶- شوشتری، قاضی نورالله، *مجالس المؤمنین*، ج ۲، چاپ دوم، تهران: کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۷۷.
- ۲۷- صدرایی خویی، علی، *کتابشناسی تجرید الاعتقاد*، چاپ اول، به کوشش محمود مرعشی، قم: کتابخانه ی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۸۲.
- ۲۸- طهرانی، آقابرگ، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، جلد های ۱۵، ۱۳، ۶، ۳، ۲، بیروت: دارالاضواء، ۱۹۸۶.

- ۲۹-طهرانی، ابوبکر، دیار بکریه، چاپ دوم، نجاتی لوغال، تهران: طهوری، ۱۳۵۶.
- ۳۰-غلام حسین، تاریخ اورینتال کالج، اورینتال کالج میگزین، ش ۱۵۰، لاهور: صص ۲۶۱-۲۴۷، ۱۹۶۲.
- ۳۱-کازرونی انصاری، ابوالقاسم، سلم السماوات، چاپ اول، به کوشش عبدالله نورانی، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۶.
- ۳۲-لمبتون، آن.کی.اس، الدوانی، اردو دائره معارف اسلامیه، ج ۹، لاهور: دانشگاه پنجاب، ۱۹۸۳.
- ۳۳-محمود گاوان، عمادالدین، ریاض الانشا، به کوشش شیخ چاندبن حسین، حیدرآباد دکن: بی‌نا، ۱۹۴۸.
- ۳۴-منزوی، احمد، فهرست مشترک نسخه‌های خطی پاکستان، ج ۴، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۲.
- ۳۵-منزوی، احمد، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۲، تهران: سازمان همکاری عمران منطقه‌ای، ۱۳۴۸.
- ۳۶-منزوی، احمد، فهرست واره ی کتاب‌های فارسی، ج ۶، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۴.
- ۳۷-نقوی، شهریار، جلوه‌هایی از فرهنگ اسلامی ایران در شبه‌قاره هند و پاکستان، مقالات و بررسی‌ها، ش ۲، تهران: صص ۱۴۴-۱۱۷، تابستان ۱۳۴۹.
- ۳۸-نوایی، عبدالحسین، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران از تیمور تا شاه اسماعیل، چاپ اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۱.
- ۳۹-نوشاهی، عارف، فهرست کتاب‌های فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه ی گنج‌بخش، ج ۱، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۴۰۶ق.
- ۳- Anay, Harun, **Devvani**, tırkiye diyanet vakf islamansiklopedisi, Ankara: Religious Foundation of Turkey, 1994.
- 41-Cooper, John, **Al-dawani**, **Jalalal-din**, Routledge Encyclopedia of philosophy, Practical philosophy of the Mohammadan people, Vol. 2, London: Routledge publication, 1839.

All References in English

1-Akhtar rahi. **Tarjome-ye Motun-e Farsi be zabanha-ye Pakestani.**

- Islamabad: Iran Pakistan Institute of Persian Studies publication, 1986.
- Idem, *Tazkare-ye mosannefin-e dares-e Nizami*. Lahore: Maktab-e rahmaniya publication, 1978.
- 2-Amin, mohammad. **Daneshkade-ye Fort William & Gostaresh-e Zaban & adabiyat-e farsi**. Qand-e Parsi, No. 12, New Delhi: PP. 143-161, 1997.
- 3-Amin, mohsen. **A'yan al-shi'a**, Vol. 10, First Edition, Beirut: Dar al-tarof le al-matbuat, 1985.
- 4-Anay, Harun. **DEVVANI**. ترکیه دیانیت vakf islam ansiklopedisi, 1994.
- 5-Bosworth, Clifford Edmund. **Selseleha-ye Islami**. First edition, Edited by Fereydun Badrei, Tehran: Bonyad-e Farhang-e Iran publication, 1970.
- 6-Cooper, John, al-dawani, Jalalal-din, Routledge Encyclopedia of philosophy..Practical philosophy of the Mohammadan people. Vol.2, London: Routledge publication, 1839.
- 7-Daneshgar, Maryam, Zahed-e Heravi. **Encyclopedia of Persian language and literature in the subcontinent**. Vol. 3, First Edition, Tehran: Academy of Persian Language and Literature publication, 2013.
- 8-Idem. **Resale dar Tahghigh-e Adalat**. Edited by Ali Ardalan-e Javan, Journal of Ferdowsi School of Literature and Human Sciences. No. 3&4. Mashhad: PP. 1167-1194, 1993.
- 9-Idem, **Sab'-e Rasael**, First Edition, Edited by Ahmad Toyserkani, Tehran: Miras maktoob publication, 2002.
- 10-Idem. **Shavakel al-Hur fi Sharh-e Hayakel al-Noor**. First Edition, Edited by Mohammad abdollah & Mohammad Yousuf Kouken, Madras: Matbu at al-Sharqiya, 1953.
- 11-EmdadAli Safdar, **Fehrest-e Kotob-e Chapi-e pakestan darbare-ye Zaban&Adabiat-e Farsi**, Oriental College Magazine, No. 183-185. Lahore: PP. 271-295, 1971.
- 12-Gholam hossain. **Tarikh-e Orientel Kalej**. College Oriental Magzine, No. 150, Lahore: PP. 247-261, 1962.
- 13-Haeri, Abdolhosein, **Fehrest-e Ketabkhane-ye majles-e showra-ye Melli**, Vol. 5, Tehran: Ketabkhane publication, 1926.

- 14-Haji Khalife, **Kashf al-zonun an Asami al-Kotob & al-fonun**, Vol.1, Beirut: Dar al-Fekr, 1981.
- 15-Hasani, abdollah, **Alsaqafat al-Islamiye fe al-Hend**, al-Majma al-elmi al-Arabi publication, 1998.
- 16-Idem. **Nozhat al-khavater**. & Behjat al-masame & al-navazer, Vol. 4&Hyderabad Deccan: Dayeratolma. aref al-osmsniye publication. 1931.
- 17-Kazerouni Ansari, Abolqasem. **Sollam al-Samavat**. First Edition, Edited by Abdollah Nourani, Tehran: Miras maktoob publication, 2007.
- 18-Lambton, Ann K.S. **Al-Dawani**. Urdu Dayere-ye Ma'arif Islamiye, Vol. 9, Lahore: Punjab University Publication, 1983.
- 19-Mahmoud Gawan, Emad al-Din. **Riyadh al-Ensha**. Edited by Sheykh Chand bin Husain, Hyderabad Deccan: N/A, 1948.
- 20-Monzavi, Ahmad. **Fehrest-e Moshtarak Noskhe-ha-ye Kati Pakistan**. Vol. 4, Islamabad: Iran Pakistan Institute of Persian Studies publication, 1983.
- 21-Idem. **Fehrest-e Noskhe-ha-ye Khati Farsi**. Vol. 2, Tehran: Regional Development Cooperation, 1969.
- 22-Idem, **Fehrestvare-ye Ketab-ha-ye Farsi**, Vol. 6, Tehran: anjuman -i athar & mafakhir-e farhangi, 1954.
- 23-Naghavi, Shahryar. **Jelvehayi az Farhang-e Eslami-e Iran dar Shebhe-Gharre-ye Hind & Pakistan**, Articles and reviews, No.2, Tehran: PP. 117-144, 1970.
- 24-Navaayi, Abdolhosein. **Asnad & Mokatebat-e Tarikhi-e Iran az Teymur ta Shah Esma'il**. First Edition, Tehran: Translation and Publication Books Company, 1962.
- 25-Noshahi, Arif. **Fehrest-e Ketab-ha-ye Farsi-e Chap-e Sangi & Kamyab-e Ketabkhane-ye Ganjbakhsh**, Vol. 1, Islamabad: Iran Pakistan Institute of Persian Studies publication, 1985.
- 26-Purjavadi, Reza. **ketabshenasi-e Asar-e jalal al-din Dawani**. Ma aref, No.1 & 2. PP. 81-138, 1998.
- 27-Riwani, RahmanAli. **Tazkire-ye Olama-ye Hind**. Lucknow: Navelkeshor, 1913.
- 28-Rizvi, Sayyed Athar Abas, **Shi'a dar Hind**, First Edition, Translated by Center for Research and Islamic Studies, Qom: Islamic Propagation Office Qom Seminary, 1997.
- 29-Idem, **Tacir-e Hekmat-e Eshraq & Falsafe-ye Mirbaqer Damad & Molla Sadra dar Shebhe-Gharre-ye Hend & Pakistan**, Jaavidan Kherad, 4th year, No. 2, Tehran: PP. 27-39, 1981.

- 30-Sadrayi khoi, Ali, **Ketabshenasi Tajrid al-E'teqad**, First Edition, Edited by Ma moud Mar as i, Qom, Ayatolla Mar sai Najafi Library publication, 2003.
- 31-Shustari, Qazi Noorullah, **Majales al-Mowmenin**, Vol. 2, Second edition, Tehran: Eslamiye publication, 1998.
- 32-Sobut, Akbar, **Filsuf-e shirazi dar Hind**, First Edition, Tehran: Hermes publication, 2001.
- 33-Idem, **Hawze-ye Farangimahal & kitab-e sharh al-Hedaye**, Keyhan-e Andishe, No. 5, Tehran: PP. 114-120,1994.
- 34-Idem, **Ketabhaye Iranian dar barnameha-ye Madares-e Islami-e Hind**, Ayene-ye Miras, No. 40, Tehran: PP. 13-32, 2008.
- 33-Idem, **Madares-e Islami-e Hend darTul-e Tarikh & jaygahe Farhang-e Iran dar Anha**, New Delhi: Publications of Research Department, 1995.
- 35-Tehrani, Abubakr, **Diyar-e Bakrie**, Second edition, Nejadi Lughal, Tehran: Tahuri publication, 1977.
- 36-Tehrani, Aghabozorg, **Al-zarie ela tasanif al-shia**, vol. 1-3-6-13-15-22. First Edition, Beirut: Dar al-azva publication, 1986.
- 37-Toyserkani, Ahmad, **Moghadame-ye Sab'-e Rasael**, Dawani, Jalal al-din, First Edition, Edited by Ahmad Toyserkani, Tehran: Miras maktoob publication, 2002.
- 38-Zubair Qureshi, Mohammad, **al-Resalat al-Adalat al-Dawani Moanvan be Mahmoud Shah Bahmani**, Qand-e Parsi, No. 4, New Delhi: PP. 113-119, 1992.